

به نام الله

مشخصات جزوه:

نام دانشجو: حامد اصلانی (رشته حقوق)

درس: اصول فقه 1

موضوع: جزوه جلسه هشتم

استاد: حسینی زندآبادی

تاریخ برگزاری: 20 اردیبهشت ماه 1405

---

سلام هم کلاسی عزیز نکته اول که باید توجه داشته باشید مطالب این جزوه فقط خلاصه و بخشی از چکیده مطالب این جلسه اصول فقه 1 میباشد الزام است همانطور که استاد عزیز استاد حسینی زندآبادی در جلسات پیشین فرمودند برای درک بهتر این جزوه منبع اصلی یعنی کتاب اصول فقه کاربردی آقای قافی از انتشارات سمت را تهیه و مطالعه کنید.

---

مطلب نهم: تقسیم‌بندی‌های واجب

(ج) واجب تعبدی و واجب توسلی

این تقسیم‌بندی بر اساس نیاز یا عدم نیاز به قصد قربت است .

1. واجب تعبدی: به عملی گفته می‌شود که حتماً باید با قصد قربت (نیت جلب رضای خدا و نزدیک شدن به او)

انجام شود، در غیر این صورت عمل صحیح نبوده و تکلیف ساقط نمی‌شود

ریشه کلمه: از «عبودیت» و بندگی می‌آید .

نکته املایی: «قربت» با «ق» به معنای نزدیکی است (در مقابل «غربت» با «غ» که به معنای دوری است)

مثال‌های استاد: نماز، روزه، حج، خمس، زکات و وضو

2. واجب توسلی: عملی است که در آن قصد قربت شرط نیست و آنچه مهم است، تحقق و انجام شدن خودِ عمل

است؛ انگیزه و نیت در آن دخالتی ندارد

ریشه کلمه: از «وصول» و «وصل» به معنای رسیدن و تحقق یافتن است

مثال‌های استاد:

تطهیر لباس (مثال شرعی): شستن لباس نجس به خودی خود واجب نیست، مگر برای نماز یا طواف. اگر کودکی

هم دکمه ماشین لباسشویی را بزند و لباس پاک شود، کفایت می‌کند و نیاز به نیت بزرگتر ندارد

ادای دین، رد امانت، پرداخت نفقه: این موارد هم جنبه شرعی دارند و هم جنبه حقوقی

نکات مهم تعبدی و توسلی:

نکته 1: واجب تعبدی در علم حقوق کاربرد بسیار کمی دارد. یک نمونه آن ماده 869 قانون مدنی است که در

آن پرداخت حقوق مالی متعلق به خداوند (مثل زکات و خمس) از ترکه متوفی مطرح شده که ماهیت تعبدی

دارند

نکته 2: در موارد تردید بین تعبدی یا توسلی بودن یک واجب، اصل بر توسلی بودن است و تعبدی بودن نیاز به

دلیل و قرینه دارد

---

(د) واجب مطلق و واجب مشروط

این تقسیم‌بندی بر اساس وابسته بودن یا نبودن «وجوب» عمل به یک شرط است

1. واجب مطلق: واجبی است که اصلِ واجب شدن آن، وابسته و مشروط به هیچ شرطی (به جز شرایط عمومی

تکلیف مثل بلوغ و عقل) نباشد.

مثال استاد: نمازهای روزانه؛ وجوب نماز مشروط به چیزی نیست و در هر حالی (ایستاده، نشسته یا خوابیده) باید انجام شود .

2. واجب مشروط: واجبی است که واجب شدن آن منوط به تحقق یک شرط خاص است.

مثال استاد: حج؛ وجوب حج مشروط به استطاعت است. استطاعت شامل سه بخش است: 1. مالی 2. بدنی (جسمی) 3. جانی (امنیت مسیر)

نکات تخصصی (نسبیت در مطلق و مشروط): یک عمل ممکن است نسبت به یک شرط مطلق و نسبت به شرطی دیگر مشروط باشد

مثال حقوقی 1 (نفقه):

نفقه زوجه: واجب مطلق است. چه مرد پولدار باشد چه فقیر، نفقه زن بر عهده اوست و در صورت عدم پرداخت، به صورت «دین معوقه» بر گردنش باقی می ماند

نفقه اقارب (خویشاوندان): واجب مشروط است و منوط به تمکن مالی منفق می باشد (ماده 1198 قانون مدنی) نکته جانبی در نفقه اقارب: فقط در رابطه طولی (صعودی مثل والدین و نزولی مثل فرزندان) واجب است و در رابطه عرضی (خواهر، برادر، عمو، عمه و...) واجب نیست .

مثال حقوقی 2 (رسیدگی قاضی):

نسبت به «درخواست ذینفع» (دادخواست): مشروط است؛ قاضی نباید در خیابان به دنبال پرونده بگردد. نسبت به «وجود قانون»: مطلق است؛ طبق اصل 167 قانون اساسی و ماده 3 قانون آیین دادرسی مدنی، قاضی حتی اگر قانونی نیابد، باید با استناد به منابع معتبر حکم صادر کند و نمی تواند به بهانه سکوت قانون از رسیدگی امتناع کند

---

ه) واجب موقت و واجب غیرموقت

بر اساس داشتن یا نداشتن زمان مشخص برای انجام عمل تقسیم می‌شود .

1. واجب موقت: زمانی معین برای آن تعیین شده است . خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

موسع (گشاده): وقت تعیین شده بیش از زمان مورد نیاز برای انجام عمل است .

مثال شرعی: نماز صبح (زمان از فجر تا طلوع آفتاب است اما خود نماز 5 دقیقه طول می‌کشد)

مثال حقوقی: پرداخت دیه؛ مهلت قانونی 1 تا 3 سال است، اما خود عمل واریز پول نیم ساعت وقت می‌گیرد .

مزیق (تنگ/محدود): وقت تعیین شده دقیقاً به اندازه زمان انجام عمل است.

مثال شرعی: روزه (از اذان صبح تا مغرب)

مثال حقوقی: ساعت کاری کارمند (مثلاً 8 تا 16)؛ یا حکم تبعید که شخص باید دقیقاً در ماه‌های تعیین شده

در محل باشد .

2. واجب غیرموقت: زمان خاصی برای آن تعیین نشده است . شامل دو نوع است:

فوری: باید بلافاصله انجام شود؛ مثل تطهیر مسجد نجس شده .

غیرفوری: عجله‌ای در انجام آن نیست .

---

مبحث نواهی (جمع نهی)

پس از اتمام مبحث امر، وارد مبحث نهی می‌شویم .

1. تعریف نهی:

لغوی: بازداشتن و منع کردن .

اصطلاحی: طلب ترک یک کار از طرف شخصی در جایگاه بالاتر (عالی) از شخص در جایگاه پایین‌تر (دانی) .

2. شکل‌های مختلف نهی:

نهی حاضر: مستقیماً به مخاطب گفته شود (در قانون نداریم اما در قرآن وجود دارد) .

نهی غایب: «هیچ کس حق ندارد...»، «نمی تواند...» .

جمله خبری منفی: «جایز نیست»

جمله خبری مثبت (در معنای نهی): «ممنوع است»، «حرام است» .

مثال حقوقی: ماده 79 قانون کار؛ «به کار گماردن افراد کمتر از 15 سال تمام ممنوع است»

به صورت وضع مجازات: به جای منع مستقیم، مجازات آن ذکر شود.

مثال استاد: «هر کس شراب بخورد، 80 ضربه شلاق دارد»؛ این جمله در واقع نهی از نوشیدن شراب است.

---

نکته : نهی واقعی (مانند امر واقعی) حتماً باید از عالی به دانی باشد؛ درخواست های مساوی از مساوی یا دانی از

عالی، نهی واقعی محسوب نمی شوند